

## جرم، اقتصاد و پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی در کشورهای مختلف؛ کارکردیابی پلیس اقتصادی در سطح جهانی

حسین دری نوگورانی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۹/۲۱

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال اول / شماره دوم - زمستان ۱۳۹۵

### چکیده

نیرویی که اهداف و وظایف خود را دنبال می‌کند، به فضا و شرایط تأثیرگذار اصلی، مستقیم و فوری حوزه فعالیت خود توجهی خاص دارد. پلیس نیز برای تحقق اهداف و انجام وظایف خود باید به عوامل تأثیرگذار اهتمام ورزد. به علت نقشی که شرایط اقتصادی در وقوع جرم یا بازدارندگی از جرم دارد، پلیس نمی‌تواند به این شرایط بی‌اعتنا باشد؛ به ویژه که برخی عناصر اقتصادی در حوزه اصلی فعالیت پلیس قرار می‌گیرند. اگر جرم را اقدامی عقلایی مبتنی بر فرصت و مخاطره مجرم در نظر بگیریم، بنا بر انتظار و آن گونه که برخی مطالعات تجربی نشان می‌دهد، جرایم - به ویژه جرایم غیرخشونت‌بار - به شرایط اقتصادی وابسته‌اند.

در کنار آنچه گفته شد، با معرفی جرایم اقتصادی، وظیفه پلیس در قلمرو اقتصاد، تبلور قانونی خاصی می‌یابد. با در نظر گرفتن پیشینه تاریخی، مبانی منطقی و نظری، تنوع اهداف و وظایف قانونی و مطالعات تجربی، کشورهای مختلف درصدد تشکیل نیرو و سازمانی برآمده‌اند که به عنوان پلیس، گارد و امثال آن، به صورت مسلح یا شبه‌نظامی و به صورت مستقل یا تحت تابعیت مقام رسمی خاص، در قلمرو اقتصاد و امور مالی و گمرکی به گونه‌ای تخصصی ورود یافته است. مروری بر وظایف مصرح و گزارش شده پلیس اقتصادی - مالی گمرکی کشورهای بررسی شده نشان می‌دهد که فعالیت‌های بسیار متنوعی در حوزه مسئولیت این نیروی تجهیز شده برای رویارویی با جرایم اقتصادی تعریف شده است. این فعالیت‌ها از فعالیت‌های سلبی مبارزه با سرقت تا فعالیت مقابله‌جویانه با اقتصاد پنهان و امثال آنها تا فعالیت‌های ایجابی مراقبت در اجرای همگانی قوانین و مقررات اقتصادی، پولی، مالی و اعتباری را با ملاحظه ارتباط با سلامت، نظم و امنیت (آرامش و آسایش) عمومی و اجتماعی و اولویت مبارزه با فساد و جرایم سازمان‌یافته بزرگ اقتصادی و مالی شامل می‌شود.

### چکیده

جرایم اقتصادی، پلیس اقتصادی، پلیس

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

## مقدمه

حوزه مسئولیت و ارتباط فعالیت نیروهای مسلح با حوزه ملی، از دیرباز اشتغال ذهنی و عملی نیروهای مسلح، حاکمیت و پژوهشگران کشورهای مختلف بوده است. اگرچه بر کناره‌گیری نیروهای مسلح از جبهه‌بندی‌ها و موضع‌گیری‌های حزبی و گروهی در عرصه‌های سیاسی، به رغم اختلاف دیدگاه، در بسیاری از کشورها تأکید می‌شود، نحوه ارتباط و ورود این نیروها به عرصه‌های اقتصادی و غلبه استدلال‌ها به یک سوی سیاست‌گذاری، آنچنان روشن نیست. اقتضائات زمانی و مکانی در نوع سیاست‌گذاری و اقدام در این زمینه مؤثر است و به تبع آن، در ورود نیروهای مسلح به عرصه‌های اقتصادی - با تصدی مستقیم فعالیت‌های اقتصادی یا ایجاد تعامل با آنها گرفته تا کنترل و برخورد با انحراف در مسیر صحیح آنها - حتی در یک کشور نیز رویه واحد و ثابتی مرسوم نبوده است. پلیس نیز در این عرصه رویه‌های مختلف و متفاوتی را در کشورهای مختلف تجربه کرده است.

خاستگاه و تحول سازمانی که در حال حاضر «پلیس» نام گرفته است، در طول تاریخ کشورها و ایران نشان از مسئولیت سنگین این نیروی چندوجهی و چندکاره - اگر نگوئیم همه‌کاره - دارد. پلیس از ابتدا در عرصه مدیریت شهر و روستا و حفاظت بندری ظهور یافته و در طول تاریخ، جنبه‌های مختلف مذهبی، سیاسی، نظامی و شبه‌نظامی به خود گرفته است. امور تحت پوشش مسئولیت پلیس بسیار متنوع بوده و گاه گستره‌ای محدودناشدنی می‌یافته است. بنا به یک سند تاریخی در انگلستان، «مأمور پلیس صرفاً فردی است که حقوق می‌گیرد تا به عنوان وظیفه، اعمالی را انجام دهد که اگر بر آنها اطلاع می‌یافت، آنها را داوطلبانه انجام می‌داد».

در جوامع اسلامی، افرادی با عناوینی از قبیل محتسب و شرطه عهده‌دار مسئولیت‌هایی بوده‌اند که با آنچه به عنوان پلیس در تاریخ سایر کشورها مطرح شده تا حدی قرابت داشته است. در ایران پیش از اسلام نیز پلیس نیرویی منظم و تأثیرگذار بوده و در طول تاریخ، نام‌های مختلف گرفته است. شکل‌گیری اولین نیروهای انتظامی با تشکیل «ژاندارمری خزانه» (پلیس اخذ مالیات و عوارض زیر نظر خزانه‌دار) در کنار «ژاندارمری دولتی» همراه بوده است.<sup>۱</sup> در یک دسته‌بندی بسیار کلی، وظایف نیروی انتظامی در ایجاد و حفظ و ارتقای نظم و امنیت و آسایش خلاصه می‌شود که تحقق آنها مستلزم فراهم آوردن زمینه‌های ذهنی و عینی

۱. درباره تحول تاریخی و کارکردها و حوزه‌های فعالیت پلیس در سطح جهانی و ایران رک: (دری، ۱۳۹۶).

و مقابله و برخورد با فعالیت‌های غیرمجاز ضمن ملاحظه امور مرتبط است. از سوی دیگر، این نیرو ضابط عام دادگستری است که در مورد همه جرایم، صلاحیت اقدام دارد و وظایف و اختیاراتش محدود به جرایمی معین یا شرایطی خاص نیست و یکی از وارثان نظام حسبه اسلامی به شمار می‌رود.

در تحقیق حاضر درصدد برآمدیم مبانی، کلیاتی از تجربه جهانی و چگونگی (برخی ابعاد و جوانب و ملاحظات) واگذاری وظیفه تخصصی مبارزه انتظامی با مفاسد و جرایم اقتصادی را به گونه‌ای هماهنگ با اهداف تشکیل نیروی انتظامی بررسی علمی کنیم. از این رو، برخی سؤال‌های مرتبط با این موضوع مطرح می‌شود:

۱. با فرض تعریف دقیق قانونی فساد و جرم اقتصادی و مصادیق آنها، آیا مبانی شکل‌گیری نیرویی که امروزه با عنوان پلیس و نیروی انتظامی از آن یاد می‌شود، با واگذاری وظیفه برخورد با این ناهنجاری‌های اقتصادی سازگاری دارد؟

۲. چگونه وظیفه یادشده را می‌توان در چارچوب اهداف نیروی انتظامی تعریف کرد؟ جایگاه این وظیفه در چه هدفی تعیین می‌شود؟

۳. آیا مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی در کشورهای مختلف به صورتی سازمان‌یافته بر عهده پلیس و امثال آن گذاشته شده است؟ پلیس مبارزه با این ناهنجاری‌ها، در چه کشورهایی و با چه عناوینی به صورت رسمی فعالیت می‌کند؟ در کشورهای مذکور این نیرو مستقل و در قالب پلیس به عنوان نیرویی مسلح است یا تابعیت دیگری دارد؟

۴. قوانین جمهوری اسلامی ایران در این زمینه چه اقتضائاتی دارد؟ در متن پیش رو، پس از مرور بسیار مختصر اهداف و وظایف نیروی انتظامی در جمهوری اسلامی ایران، رابطه متقابل بین اقتصاد و جرایم و پلیس و امنیت بررسی می‌شود. در این میان تمرکز روی جرم و فساد اقتصادی است؛ از این رو مفهوم حقوقی، عوامل قوام‌بخش، مهم‌ترین منابع قانونی جرم‌شناسی اقتصادی و برخی عناوین کلی و مصادیق جرایم اقتصادی مطرح خواهد شد. پس از آن تجربه برخی کشورها در تشکیل سازمان‌های مبارزه با جرایم اقتصادی و به طور خاص، پلیس اقتصادی و مالی گزارش می‌شود و با یک جمع‌بندی، کلیاتی از گستره موضوعی و شرح وظایف آنها ارائه می‌شود. در پایان نیز تلخیص و جمع‌بندی خواهد آمد تا تصویری کلی از مفهوم، پیشینه، مبانی نظری و تجربی، حوزه و محورهای اصلی فعالیت پلیس مبارزه با جرایم و مفاسد اقتصادی شکل بگیرد.

## ۱. کلیاتی درباره رابطه اقتصاد و پلیس (مبنای اهتمام پلیس به مبارزه با جرایم اقتصادی)

### الف) تأثیر اقتصاد بر متغیرهای حوزه مسئولیت نیروی انتظامی

بر اساس قانون، هدف از تشکیل «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران» عبارت است از: الف) استقرار نظم و امنیت؛ ب) تأمین آسایش عمومی و فردی؛ ج) نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران. در یک دسته‌بندی بسیار کلی، وظایف نیروی انتظامی در ایجاد، حفظ و ارتقای نظم و امنیت و آسایش خلاصه می‌شود.<sup>۱</sup> ایجاد، حفظ و ارتقای نظم و امنیت (آرامش) و آسایش مستلزم فراهم آوردن زمینه‌های ذهنی و عینی و مقابله و برخورد با فعالیت‌های غیرمجاز ضمن ملاحظه امور مرتبط است. تحقق این هدف و انجام این مأموریت نیز در نگرشی مبنایی و ریشه‌ای، مستلزم مهار و حذف موانع در عین رفع بسترها و زمینه‌سازهای بی‌نظمی، ناامنی و نآسودگی است. گمانه‌خردپذیر اولیه بر تأثیر این عوامل بر اقتصاد ملی و همچنین تأثیر مقتضیات و شرایط اقتصادی بر این عوامل است. به عبارت دیگر، انتظار می‌رود متغیرهای اقتصادی علاوه بر تعیین‌کنندگی عناصر یادشده، در میان پیامدهای این عناصر نیز قرار گیرند و این دو دسته عوامل، تعامل پیچیده‌ای را بروز دهند.

در این قسمت تأثیر اقتصاد بر نظم- بی‌نظمی، امنیت- ناامنی و آسودگی- نآسودگی را بررسی می‌کنیم. نتیجه این بررسی می‌تواند در استلزام اهتمام پلیس به امور اقتصادی تأثیرگذار در قلمرو هدف‌گذاری شده و مأموریتی‌اش تعیین‌کننده باشد. به عبارت دیگر، اگر اثبات شود که برخی عوامل اقتصادی، تأثیری تعیین‌کننده و فوری بر عناصر حوزه مسئولیتی پلیس دارند، خردپذیر خواهد بود که بر اهتمام و احیاناً ورود مستقیم یا غیرمستقیم پلیس به عرصه این عوامل توجه اکید کنیم.<sup>۲</sup>

### ب) رابطه بین شرایط اقتصادی، حضور پلیس و جرم

رابطه بین شرایط اقتصادی و جرم پیچیده است. بسیاری از نویسندگان معتقدند وقتی شرایط اقتصادی وخیم می‌شود، احتمالاً جرم افزایش می‌یابد. تئوری‌های انتخاب عقلایی، این اعتقاد را پشتیبانی می‌کنند که در زمان‌هایی که سطح بیکاری بالاست، احتمال بیشتری وجود

۱. در این باره ر.ک: (دری، ۱۳۹۶).

۲. البته در این میان، این مسئله مطرح است که آیا این اهتمام، از جهت اهتمام به مقدمه برای دستیابی به ذی‌مقدمه (مقدمه واجب، واجب و مقدمه تولیدی حرام، حرام تلقی شود و ...) است یا خود در قلمرو وظیفه و مأموریت قرار می‌گیرد و متن وظیفه است نه حاشیه متصل به متن.

دارد که افراد فرصت‌طلبی‌های نامشروع کسب ثروت - نظیر فعالیت‌های مجرمانه‌ای از جمله سرقت - را منفعت شخصی عقلایی خود به حساب آورند. برخی دیگر اعتقاد دارند که تنزل اقتصادی احتمالاً فرصت‌های مجرمانه و در نتیجه جرم را کاهش می‌دهد. وقتی سطح بیکاری بالا است، افراد بیشتری به جای سر کار رفتن، در خانه می‌مانند. در نتیجه، تعداد کسانی که همچون نگهبانان، دارایی خود را زیر نظر دارند، بیشتر خواهد شد و خانه‌ها کمتر در معرض دزدی قرار می‌گیرند. علاوه بر این، افرادی که می‌توانند در معرض دزدی قرار گیرند، پول نقد کمتری با خود خواهند داشت و جواهرات کمتری استفاده کرده و در شرایط سخت اقتصادی، تمایل بیشتری بر دفاع از دارایی خود خواهند داشت. این عوامل نسبت هزینه-فایده را تغییر می‌دهد و تصمیم مجرمانه برای ارتکاب جرم را متأثر می‌سازد. در چنین شرایطی ممکن است هزینه‌های احتمالی بر فایده‌ها فزونی یابند و این امر به جرم کمتر بینجامد. البته هر دو وضعیت ترسیم‌شده به این فرض بستگی دارد که جرم یک اقدام عقلایی مبتنی بر فرصت و مخاطره مجرم است؛ در حالی که این فرض قابل تأمل است. شواهد بیشتری دلالت دارند که مجرمین در بهترین حالات، تصمیم عقلایی محدودشده‌ای اتخاذ می‌کنند و از این رو، این تئوری‌ها قدرت توضیحی محدودی دارند. توضیحات یادشده احتمالاً به نوع فعالیت مجرمانه نیز بستگی دارد. دزدی‌ای که با انگیزه اقتصادی انجام می‌شود، شاید نسبت به جرایم خشونت‌باری که انگیزه اقتصادی کمتری دارند، وابستگی بیشتری به شرایط اقتصادی داشته باشد (Matthew, 2012: 2)؛ از این رو برای دستیابی به نتایج بدون تورش، باید بین انواع جرایم تفاوت قائل شویم. در این میان، به طور کلی جرایم را می‌توان به جرایم علیه اموال<sup>۱</sup>، جرایم خشن<sup>۲</sup>، جرایم مربوط به نظم عمومی<sup>۳</sup>، جرایم مربوط به مواد مخدر و جرایم اقتصادی طبقه‌بندی کرد (صمدی، ۱۳۸۹: ۷۰).

بر اساس انواع دیگری از تئوری‌های رفتار مجرمانه، نظیر تئوری فشار<sup>۴</sup>، تنزل اقتصادی فشار را بر افراد افزایش می‌دهد و این فشار مضاعف موجب می‌شود که آنها، بدون لزوم فرض رفتار عقلایی، از فرصت‌های مجرمانه به عنوان مفری از این فشار استفاده کنند. در حقیقت تعداد زیادی تئوری‌های جرم‌شناسانه متفاوت وجود دارند که می‌توانند له یا علیه رابطه بین

۱. Property Crime: مانند سرقت شبانه، تصرف عدوانی و سرقت اتومبیل

۲. Violent Crime: مانند قتل، قتل غیرعمد، تجاوز جنسی، سرقت و درگیری فیزیکی

۳. Public Order Crime: مانند تهدید با اسلحه، رانندگی در حالت مستی و جرایم اداری

4. Strain Theory

تغییرات شرایط اقتصادی و جرم مورد استناد قرار گیرند (Matthew, 2012: 3). در این میان، تفاوت داده‌ها و روش‌ها و کشورها در ارتباط با جرایم مورد مطالعه می‌تواند در تفاوت نتایج تحلیل‌ها مؤثر باشد (Matthew, 2012: 4).

علاوه بر آنچه گفته شد، رابطه بین پلیس و جرم نیز پیچیده است. بنا به دلایل مختلف، برخی تحلیلگران فرض می‌کنند که افزایش سطوح دسترسی به پلیس، بی‌تردید به کاهش میزان جرایم می‌انجامد و در نتیجه، پلیس به عنوان یک بازدارنده عمل می‌کند. برخی دیگر معتقدند دلیل اندکی برای پذیرش تأثیر قابل اندازه‌گیری پلیس بر جرم وجود دارد؛ زیرا جرایم بسیاری به پلیس گزارش نمی‌شوند و درصد اندکی از مجرمین دستگیر می‌شوند. علاوه بر این، همه مجرمین لزوماً عقلایی عمل نمی‌کنند تا با حضور پلیس، تحت تأثیر جدی قرار گیرند و رفتار خود را کنترل کنند.<sup>۱</sup>

در مجموع، به‌رغم اینکه در پژوهش اولیه، رابطه اندکی بین افزایش حضور پلیس و میزان جرایم مشاهده شده است، در همان حال مطالعات اخیرتر در این باره شواهد بیشتری در تأیید تأثیر افزایش تعداد افراد پلیس بر میزان جرایم نشان داده‌اند (Matthew, 2012: 8).

نتایج رگرسیون چندمتغیره اشتولسنبرگ<sup>۲</sup> و همکارانش برای ۹۱ شهر نشان داد در حالی که کل نابرابری و نابرابری نژادی هیچ ارتباط معناداری با میزان جرایم ندارد، نابرابری نژادی عامل پیش‌بینی‌کننده توانمندی برای کل میزان جرم خشونت‌بار و میزان جرم سیاه‌پوستان علیه سیاه‌پوستان<sup>۳</sup> بوده است (Stolzenberg, 2006). از سوی دیگر، گرچه برخی تئوری‌های اقتصادی جرم این‌گونه فرض می‌کنند که میزان جرایم و توان پلیس به طور هم‌زمان تعیین می‌شوند و همبستگی دارند، اما تحقیق تجربی درباره این موضوع، نتایج بسیار واگرایی داشته است. به نظر می‌رسد عدم ارائه مفروضاتی قوی درباره الگودهی زمانی<sup>۴</sup> در تئوری‌های یادشده، عامل چنین ناسازگاری‌هایی در یافته‌ها باشد.

در تحقیق لافتین و مک‌داول<sup>۵</sup>، با استفاده از تکنیک آماری‌ای که رویکرد انعطاف‌پذیرتری

---

۱. دشوار است که با اطمینان رابطه‌ای علی بین اقتصاد، تعداد پلیس و جرم ارائه و تلاش شود بر روابطی تمرکز شود که خطر نادیده گرفته شدن ارزشی که پلیس برای جامعه دارد و نمی‌تواند فقط به تنهایی با میزان جرایم سنجیده شود، در آن وجود دارد. کیفیت خدمات پلیس که بر فضای جریان امور اقتصادی مؤثر است، به مراتب از کیفیت این خدمات اهمیت بیشتری دارد. سلامت اقتصاد احتمالاً همواره آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر جرم و ایمنی دارد، اما این آثار در جوامع مختلف و همسایگان آنها متفاوت است (Matthew, 2012: 15).

2 . Lisa Stolzenberg

3 . Black-on-Black

4 . Temporal Patterning

5 . Loftin and McDowall

برای تحلیل زمانی فراهم می‌سازد، رابطه بین جرم و توان پلیس در شهر دیترویت مطالعه شد. در این مطالعه، هیچ شواهدی برای ارتباط نظام‌مندی که در تئوری پردازی اقتصادی ادعا می‌شد، مشاهده نشده است. البته این امر به غفلت از تصریح متغیرهای سازمانی و سیاسی (عوامل نهادی) مهمی نسبت داده شد که در تئوری‌های اقتصادی مغفول مانده‌اند (Matthew, 2012: 15).

بنا بر برخی مطالعات تجربی دیگر، هیچ رابطه بلندمدتی بین متغیرهای فقر، رشد اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و جرایم اقتصادی وجود ندارد. همچنین نتایج آزمون علیت تودا - یاماموتو<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که یک رابطه علیت دوطرفه بین متغیرهای فقر و جرایم اقتصادی وجود دارد، اما هیچ رابطه علی‌ای بین توزیع درآمد و جرایم اقتصادی وجود ندارد (صمدی، ۱۳۸۹: ۶۹). در همان حال، صادقی و همکاران (۱۳۸۴) و حسینی‌نژاد (۱۳۸۴) به بحث توزیع درآمد توجه و افزایش نابرابری درآمد را عاملی برای افزایش سرقت و قتل معرفی کرده‌اند (صمدی، ۱۳۸۹: ۷۰). در مطالعات متعددی تأثیر مثبت نابرابری توزیع درآمد بر میزان جرایم علیه اموال نشان داده شده است که می‌توان به پژوهش‌های سوارس (۲۰۰۴)، ایمره اوغلو و همکاران (۲۰۰۶)، کاواچی و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۹)، چوئی<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) و ژنگ<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) اشاره کرد. اما در برخی مطالعات نیز هیچ ارتباط کوتاه‌مدت و بلندمدتی بین نابرابری توزیع درآمد و جرایم علیه اموال دیده نمی‌شود. پژوهش بهاروم و حبیب‌الله (۲۰۰۹) از جمله مطالعه‌هایی است که این نتیجه را برای مالزی به دست آورده است (صمدی، ۱۳۸۹: ۷۵). همچنین بنا به برخی نتایج به‌دست‌آمده، محرومیت نسبی<sup>۵</sup> (نابرابری درآمدی و آنومی<sup>۶</sup>)، محرومیت مطلق (فقر، بیکاری و سطح پایین آموزش) و بی‌نظمی اجتماعی باعث افزایش میزان جرم (جرایم خشن و جرایم علیه اموال) می‌شوند (صمدی، ۱۳۸۹: ۷۵). در تأیید گزاره اخیر، نتایج به‌دست‌آمده از برخی مطالعات نشان می‌دهد بیکاری علاوه بر مخارجی همچون هزینه بیمه بیکاری و هزینه‌های مربوط به کاهش مهارت و تخصص نیروی کار و سایر مخارج مستقیم و غیرمستقیمی که بر اقتصاد یک جامعه می‌گذارد، دربردارنده هزینه دیگری است و آن افزایش جرایم علیه اموال و مالکیت به ویژه سرقت است که به دنبال خود آثار زیان‌باری بر جامعه تحمیل خواهد کرد

1 . Toda-Yamamoto Causality Test

2 . Kawachi, et al.

3 . Choe

4 . Zhang

5 . Relative Deprivation

6 . Anomie

(گرشاسی فخر، ۱۳۹۰: ۴۰۱). بدین ترتیب، ادبیات موضوع در بیشتر موارد- از جمله مطالعات انجام‌شده در آمریکا- ارتباط مستقیم بین جرم و بیکاری را نشان می‌دهد<sup>۱</sup> و در برخی موارد هم نتایج به‌دست‌آمده ضعیف و مبهم است (گرشاسی فخر، ۱۳۹۰: ۴۱۰).

تنوع جرایم و نظریه‌های جرم‌شناسی نشان می‌دهد که رفتار انواع جرایم را باید به طور جداگانه به وسیله نظریه‌های خاصی تشریح کرد. نظریه اقتصادی گری بکر<sup>۲</sup> (۱۹۶۸)، نظریه فشار مرتون<sup>۳</sup> (۱۹۳۸) و نظریه بی‌نظمی اجتماعی شاو و مک‌کی<sup>۴</sup> (۱۹۴۲)، سه نظریه عمده در تشریح رابطه بین نابرابری توزیع درآمد و جرم هستند (صمدی، ۱۳۸۹: ۷۱).

تئوری اقتصادی جرم بکر (۱۹۶۸) جرم را به عنوان یک نوع فعالیت، مثل هر فعالیتی که زمان می‌برد و منافع اقتصادی همراه دارد، بررسی می‌کند. بر اساس این تئوری، یک شخص میان فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی با مقایسه منافع این فعالیت‌ها و در چارچوب نظریه اقتصادی انتخاب تحت شرایط نااطمینانی، انتخاب می‌کند (گرشاسی فخر، ۱۳۹۰: ۴۰۵). نظریه فشار مرتون نیز نظریه‌ای است که به موفقیت نسبی افراد توجه دارد و رابطه بین نابرابری درآمدی و جرم را توضیح می‌دهد. بر اساس این نظریه، افراد ناموفق نسبت به موقعیت خود احساس عقیم بودن و خنثی بودن می‌کنند و به همین دلیل، فشاری را تحمل می‌کنند. افزایش نابرابری درآمدی باعث افزایش این فشارها و بنابراین، تشویق افراد با موقعیت اجتماعی پایین برای ارتکاب بیشتر جرایم می‌شود (صمدی، ۱۳۸۹: ۷۵).

## ۲. مفهوم، ویژگی‌ها، مصادیق و برخی آثار جرایم اقتصادی

با معرفی آنچه امروزه با عنوان «جرم اقتصادی» شناخته می‌شود، نقش پلیس که مسئولیت مبارزه با جرایم و زمینه‌های آنها را دارد، در صحنه اقتصاد بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

### الف) پیشینه و عناوین مفهومی جرم اقتصادی

سابقه طرح مفهوم جرم اقتصادی در غرب به سال ۱۹۰۵ که بُنگر،<sup>۵</sup> جرم‌شناس هلندی، بین جرایم خیابانی و جرایم اقتصادی (جرایم تجار و شرکت‌ها) تفکیک قائل شد، باز می‌گردد. پس از آن در سال ۱۹۴۰، ساترلند مفهوم «جرایم یقه‌سفیدی» را مطرح کرد. این جرایم تا آن

۱ . با افزایش میزان بیکاری، تعداد سرقت‌های اتفاق افتاده در هر صد هزار نفر جمعیت افزایش می‌یابد (گرشاسی، ۱۳۹۰: ۴۱۷).

2 . G. S. Becker

3 . Merton

4 . Shaw and McKey

5 . Willem Bonger



زمان مورد توجه جرم‌شناسان قرار نگرفته بود (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴۸). برخی معتقدند این واژه، اصطلاحی جرم‌شناختی است و هنوز برای حقوق کیفری ناشناخته است. جرم اقتصادی، به ویژه در ادبیات حقوقی فرانسه، با عنوان «جرایم حوزه کسب و کار»<sup>۱</sup> مطرح شده و منظور از آن نیز مجموعه قواعد ناظر بر تضمین امنیت معامله و تلاش برای حاکم کردن قانون به ویژه نسبت به اشخاصی است که بعضاً تمایل به نقض آن دارند یا در پاره‌ای موارد، جرایمی هستند مربوط به حوزه تولید، توزیع و مصرف؛ یعنی یک اصطلاح عمومی که جرایم مالی، اقتصادی، جرایم علیه ساختار اقتصادی، مبادلات تجاری، حوزه رقابت و مصرف و مصرف‌کننده را شامل می‌شود. در کنار این برداشت، مفهوم دیگری با عنوان حقوق کیفری اقتصادی نیز مطرح شده است که قبل از هر چیز، جنبه آموزشی آن بیشتر خودنمایی می‌کند. مراد از این عنوان، جرایم شایع حوزه کسب و کار، ویژگی‌های کلی اجزای مسئولیت کیفری و ترک فعل و خطا و واکنش جزایی نسبت به آن است (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۴۹).

در همین راستا برخی نویسندگان معتقدند که حقوق کیفری کسب و کار، اعم از حقوق کیفری اقتصادی و حقوق کیفری تجاری و مالی است. مفهوم دیگری نیز به نام «جرایم بازرگانی» وجود دارد که محتوای آن از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۵۰).

#### ب) مفهوم اصطلاحی و حقوقی جرم اقتصادی

با توجه به معیارهای پیش‌گفته، می‌توان جرایم اقتصادی را «فعالیت مجرمانه عمدی دانست که مرتکب، به واسطه جایگاه خاص و با بهره‌گیری از دانش و اطلاعات خود و نیز وسایل و شیوه‌های ویژه، با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، مرتکب می‌شود و آن فعل نیز نتایج شدیدی<sup>۲</sup> به دنبال دارد». منظور از نتایج شدید این است که آثار جرم، دامن مردم یک منطقه، کشور یا کل جهان<sup>۳</sup> را می‌گیرد. اموال مورد تعرض در اینجا از چنان اهمیتی برخوردارند که از طریق جرم‌انگاری، مورد حمایت

1 . Business crimes, corporate crimes / les délits d'affaires

۲ . که آثار جرم، دامن مردم یک منطقه، کشور یا کل جهان را می‌گیرد.

۳ . مانند جرایم زیست‌محیطی

حقوق کیفری<sup>۱</sup> قرار گرفته‌اند. در واقع حقوق کیفری آخرین حربه و آخرین راهکار است. پس جرم‌انگاری این اعمال و رفتارها<sup>۲</sup> به نوعی القاکننده این پیام است که سایر ضمانت‌اجراها، اثربخشی لازم را برای حمایت از این ارزش‌ها نداشته‌اند. در واقع خطرهای این جرایم، مستقیم یا غیرمستقیم دامن همه مردم را می‌گیرد (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

به تصریح ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد»<sup>۳</sup>. برای آگاهی از مفهوم حقوقی مجازات و همچنین در فرق‌گذاری بین «جرم» و «تخلف»، از یک دیدگاه، جرم متضمن نقض قانون و تخلف متضمن نقض آیین‌نامه است؛ اما از دیدگاهی دیگر، با توجه به آنکه در برخی قوانین مواردی که جرم انگاشته شده‌اند، در موادی دیگر به عنوان تخلف از آنها یاد شده است،<sup>۴</sup> تفاوت جرم و تخلف را می‌توان در رابطه مبنایی آنها دانست. در مواردی که یک رابطه دوجانبه میان دولت و قشر یا قشرهای جامعه برقرار است که به موجب آن، در قبال امکاناتی که دولت در اختیار آنها قرار می‌دهد، الزاماتی<sup>۵</sup> برای آنها مقرر می‌کند، تخلفی از آنها را تخلف می‌نامند؛ اما هرگاه این رابطه موضوعیتی نداشته باشد و صرفاً رابطه یک‌جانبه حاکمیت و افراد مد نظر باشد که الزاماتی معین شود، تخلفی از آنها جرم به شمار می‌آید (سیاه‌بیدی و دهقان، ۱۳۹۵: ۳۹). از سوی دیگر، بنا به ماده ۷ «قانون مجازات عمومی» مصوب ۱۳۰۴ (کمیسسیون عدلیه)، با اقتباس از قانون جزای فرانسه، جرم از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها به چهار نوع تقسیم می‌شود: جنایت، جنحه مهم، جنحه کوچک (تقصیر) و خلاف. در این تقسیم‌بندی، «خلاف» (تخلف) یکی از اقسام جرم اما با مجازاتی نسبتاً سبک‌تر نسبت به سایر جرایم، قلمداد شد.

جرایم اقتصادی<sup>۶</sup> به آن دسته از جرایم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی گفته می‌شود که باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌گردد و با خارج کردن امور

۱. در مورد جرایم اقتصادی یک جامعیت در تعریف و مصادیق آن وجود ندارد؛ ولی راجع به آیین دادرسی خاص جرایم و مجازات‌ها اکثر حقوق‌دانان به یک جمع‌بندی کلی رسیده‌اند که ذیل حقوق کیفری اقتصادی قرار می‌گیرد (نجفی، بی‌تا). جرایم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، مؤسسه یا شرکت رخ می‌دهد. حقوق کیفری اقتصادی شامل حقوق کیفری تجاری و همچنین فراتر از آن است. در واقع، حقوق کیفری اقتصادی دو رسالت عمده بر عهده دارد: ۱. حمایت از منافع خصوصی افراد؛ ۲. مدیریت اداره اقتصاد کشور (تضمین منافع جمعی و منافع دولت). در تفکیک قلمرو، حقوق کیفری تجاری منافع خصوصی تجار و شرکت‌ها را تضمین می‌کند، در حالی که حقوق کیفری اقتصادی فراتر از منافع عده‌ای خاص است (نجفی، بی‌تا).

۲. مثال جعل اسکناس، تقلب مالیاتی و گمرکی

۳. در ماده ۲ «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۶۱، «هر فعل یا ترک فعل که مطابق قانون قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می‌شود».

۴. برای مثال، «قانون تعزیرات حکومتی» تمام رفتارهای غیرقانونی را «تخلف» به حساب می‌آورد؛ اما در مواد ۴۸ و ۴۹ در خصوص آنها از لفظ «جرم» استفاده می‌کند. تبصره ماده ۳۶ «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲ نیز لفظ «جرایم گمرکی» را مورد استفاده قرار می‌دهد؛ در حالی که قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰، آنها را تخلف می‌نامد.

۵. الزامات دولت در قبال امکانات دولتی مانند الزامات صنفی

۶. در متن اعظمی مقدم از واژه «مفاسد اقتصادی» استفاده شده است.

اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، به دارا شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان عده قلیلی از اشخاص یا کسانی می‌انجامد که به واسطه بهره‌مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی و نیز با سوءاستفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و طرق مختلف دیگر، امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت‌های غیرقانونی و تبعیض‌آمیز را دارند. به عبارت دیگر، هرگونه سوءاستفاده، دخل یا تصرف در منابع و دارایی‌های دولتی و عمومی که برخلاف قوانین و مقررات و اختیارات قانونی انجام شود و بر اقتصاد محلی، منطقه‌ای یا ملی اخلال وارد کند، جرم اقتصادی محسوب می‌شود (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۶۲).

در یک رأی دیوان کشور فرانسه، جرم اقتصادی چنین تعریف شده است: «جرم اقتصادی جرمی است که مربوط به تولید، توزیع و جریان مصرف کالا و تولیدات می‌شود.» بنا به برخی تعریف‌های دیگر، جرایم اقتصادی به صورت زیر تعریف شده‌اند:

- جرایمی که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، داد و ستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه‌ستانی، کمپسیون‌گیری، اعطای تسهیلات غیرقانونی به نفع خود یا دیگران انجام می‌گیرد.

- جرایمی که با قوانین و مقررات جنایی و اقتصادی که وجوه مختلف فعالیت‌های اقتصادی را تنظیم می‌کنند، در تعارض هستند و در نهایت مصلحت عامه را با خطر مواجه می‌سازند.

- جرایمی که با قوانین اخلاقی منافات دارد و متضمن تجاوز به مصالح اساسی‌ای است که اجتماع آنها را ارج می‌گذارد (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۲).

### ج) برخی عناوین کلی دسته جرایم اقتصادی

برای جرایم اقتصادی عناوینی نظیر مفاسد اقتصادی، جرایم یقه‌سفیدها<sup>۷</sup> و اصطلاح جرایم سازمان‌یافته<sup>۸</sup> به کار می‌رود.<sup>۹</sup> این جرایم نوعاً جنبه فراملی دارند. به همین دلیل از سال ۲۰۰۰ تا کنون، در سطح سازمان ملل متحد، دو کنوانسیون پالرمو و مریدا با موضوع جرایم اقتصادی و مالی به تصویب رسیده است (طالبیان، ۱۳۹۲).

۷. که مقام مرتکب وجه‌تسمیه قرار گرفته است.

۸. جرایمی که هدف و غایت آنها کسب قدرت مادی است که با نبوغ فرد به وقوع می‌پیوندد و نیاز به برنامه‌ریزی دارند.

۹. در مواردی نیز از واژه ترکیبی «جرم فساد اقتصادی» استفاده می‌شود.

#### د) عوامل قوام‌بخش جرایم اقتصادی

برای جرایم اقتصادی وجود چهار عامل ضروری است:

۱. وجود ساختارها و مبنای اقتصادی سالم: جرم اقتصادی در بستری سالم و در قالب قرارداد و روابط اقتصادی و با همکاری نهادهای دولتی یا به صورت مستقل انجام می‌گیرد. در سازمان‌های مافیایی که ذاتاً مجرمانه‌اند جرم اقتصادی نداریم.

۲. کنارگذاری عنصر خشونت؛

۳. جرم اقتصادی با نوعی فرصت‌طلبی مجرمانه ملازمه دارد. این فرصت‌طلبی، ارتباط تنگاتنگی با درجه هوش و صلاحیت حرفه‌ای و شغلی مرتکبین و میزان اعتماد افراد به آنها دارد. این بزهکاران برای جامعه خطرناک‌ترند، چون علاوه بر اینکه جامعه‌پذیرند، از سازگاری اجتماعی بالایی برخوردارند.

۴. اصولاً در جرایم اقتصادی مرتکبین به دنبال کسب سود و پول هنگفت هستند (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۷۳).

در رویکردی دیگر، برای تشخیص جرم اقتصادی، معیارهای مختلفی ملاک قرار گرفته است که می‌توان به برخی از آنها اشاره کرد:

- وجود انگیزه اقتصادی یا صرف تحصیل مال از طریق غیرقانونی و نامشروع؛

- وجود تشکیلات و فعالیت اقتصادی؛

- تجاری بودن جرم اقتصادی؛

- احراز منفعت و ارزش مورد حمایت (از قبیل حمایت از بزه‌دیده، توجه به موضوع جرم و

حمایت از «نظم» و «مدیریت اقتصادی») (دادخدایی، ۱۳۸۹).

#### ه) تفاوت جرم اقتصادی و فساد اقتصادی

موضوع فساد و جرم اقتصادی در متون مختلف به شکل‌های متنوعی بررسی شده است و اغلب از آن با عنوان فساد و جرم مالی یاد می‌کنند و آن را مترادف این واژه می‌دانند. تفاوت جرم با فساد از آنجا نشئت می‌گیرد که برای جرم، مجازات قانونی تعیین شده است، ولی معیار اثبات فساد، وجود مجازات قانونی نیست، بلکه انحراف از اخلاق و هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی، ملاک تعریف فساد است. البته از آنجا که مفاسد و جرایم اقتصادی به واسطه رفتارهای متقلبانه و تبانی کارکنان دولتی به وقوع می‌پیوندد، برخی پژوهشگران آنها را در چارچوب فساد اداری ارزیابی می‌کنند (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۶).

(و) مهم‌ترین منابع قانونی جرم‌شناسی جرایم اقتصادی

مهم‌ترین منابع قانونی به عنوان معیارهای مستقیم جرم‌شناسی جرایم اقتصادی به ترتیب تاریخ تصویب عبارت‌اند از:<sup>۱</sup>

۱. قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۰۶؛
۲. قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵؛
۳. قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷؛
۴. قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸؛
۵. قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی درباره ثروت‌های ناشی از احتکار و قاچاق مصوب ۱۳۶۳؛<sup>۲</sup>
۶. مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات مصوب ۱۳۶۶؛
۷. قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷؛
۸. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷؛
۹. قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷؛
۱۰. قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۹؛
۱۱. قانون مجازات اخلال گران نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹؛
۱۲. قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲؛
۱۳. قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل توسط کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۳؛
۱۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵؛
۱۵. قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶.

علاوه بر این، در بند ۳ ماده ۲ آیین‌نامه دادسرا و دادگاه‌های انقلاب مصوب ۱۳۵۸ نیز رسیدگی به جرایم اقتصادی بزرگ در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گرفته است (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲؛ زارعی، ۱۳۹۰: ۴۱؛ اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۷۰).

شایان ذکر است در سیاست جنایی ایران، با مراجعه به قوانین جزایی، بسیاری از جرایم

۱. با مصوبه مجلس شورای اسلامی در خرداد ۱۳۹۶ و تأیید شورای نگهبان در ۱۳۹۶/۳/۳۱، برخی قوانین از اول فروردین ۱۳۱۰ تا ۲۹ اسفند ۱۳۲۸ لغا شدند. علاوه بر این، «طرح الغای برخی قوانین از تاریخ اول فروردین ۱۳۲۹ تا سی‌ام مهر ۱۳۳۶» نیز تصویب و تأیید شد.  
۲. مشتمل بر جرم پول‌شویی که برای آن عنوان تعیین نشده است.

اقتصادی با ذکر عناوینی نظیر «قصد مرتکب در مقابله با نظام» یا «باندی بودن»، چهره امنیتی به خود گرفته و موضوع جرم، از امنیت اقتصادی به امنیت سیاسی یا امنیت ملی تغییر چهره می‌دهد. جرم اقتصادی که ابتدا از دسته جرایم تعزیری است، به جرم مستلزم حد، تغییر نام می‌دهد و قانون‌گذار مجازات آن را به مجازات جرم مستلزم حد احاله می‌کند. از جمله این موارد می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

- تشکیل شبکه مجرمانه برای ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و رهبری آن (موضوع ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری)؛

- اختلال در نظام اقتصادی کشور (موضوع ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، چنانچه هر یک از اعمال یادشده در بندهای این ماده، به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن یا با علم به مؤثر بودن اقدام مذکور در مقابله با نظام بوده باشد).

- جعل، واردات و توزیع اسکناس (موضوع قانون جعل اسکناس رایج داخلی یا توزیع و مصرف آن با علم به جعلی بودن و وارد کردن عمده آن، چنانچه از طریق باند یا برای مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد).

در نمونه‌های یادشده و موارد مشابه از دیدگاه قانون‌گذار به سبب شدت و تهدیدی که برای امنیت سیاسی از طریق امنیت اقتصادی دارند، از مصادیق محاربه و افساد فی‌الارض یا جرایم در حکم آن تلقی شده و مرتکبین، مستوجب مجازات اعدام خواهند بود (صفرپور، ۱۳۹۱).

### ز) برخی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی جرم‌شناسی جرایم اقتصادی

دو سند بین‌المللی در ارتباط با جرایم اقتصادی وجود دارد:

۱. کنوانسیون پالرمو (مصوب ۲۰۰۰): این کنوانسیون فقط به تعریف جرایم می‌پردازد و در خصوص جرایم اقتصادی معیاری به دست نمی‌دهد.

ویژگی‌های جرم‌شناسی این کنوانسیون: ۱. ماده ۹ کنوانسیون موانع اخلاقی شخصی و فردی را به عنوان پیشگیری غیرکیفری مؤثر در ارتکاب جرم می‌داند. ۲. در ماده ۳ پیشگیری غیرکیفری فنی مد نظر قرار گرفته شده است که با تقویت افراد در معرض بزه‌دیدگی امکان ارتکاب جرم را از بین می‌برد. همچنین به بازپروری محکومین اشاره شده است. ۳. در ماده ۲۳

پیشگیری از پرداخت هزینه توسط مجرمین را مطرح می‌کند. ۴. مواد ۲۴ و ۲۵ از بزه‌دیدگان جرایم سازمان‌یافته حمایت می‌کند.

۲. کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا (مصوب ۲۰۰۳): این کنوانسیون به طور مستقیم به جرایم اقتصادی پرداخته است؛ از جمله کسب ثروت‌های نامشروع (ماده ۲۰)، پرداخت رشوه به مقامات عمومی کشوری (ماده ۱۵)، اختلاس اموال در بخش خصوصی (ماده ۲۲)، تطهیر عواید ناشی از جرم (ماده ۲۳) و ... .

این کنوانسیون علاوه بر طرح اقدامات و تدابیر بازدارنده، در برخی موارد جرم‌انگاری کرده و پیشنهادهایی به دولت‌های عضو ارائه داده است:

- تدابیر بازدارنده: از طریق اعمال سیاست‌ها و روش‌های پیشگیری در فساد مالی از فراهم شدن زمینه سوءاستفاده مجرمین جلوگیری می‌کند (پیشگیری غیرکیفری). ماده ۵ کنوانسیون، تدابیر پیشگیری از فساد را مطرح می‌کند و در ماده ۶ تشکیل نهادهایی برای مبارزه با فساد و امکان اجرای تدابیر مذکور را به وجود آورده است. در ماده ۷ نیز تأکید شده که افراد واجد صلاحیت اخلاقی و توانایی علمی و عملی لازم برای این منظور انتخاب شوند. همچنین در این کنوانسیون از طریق توسل به نظام ضمانت‌اجراها (ماده ۱۲) امکان مشارکت عمومی در اعلام جرم (ماده ۱۳) و اصلاح و بازپروری بزهکاران (ماده ۲۰) وجود دارد (پیشگیری کیفری).

- جرم‌انگاری: در این کنوانسیون به هر ماده یک عنوان کیفری و ضمانت‌اجراهای اداری و انضباطی و صنفی ... اختصاص داده شده است. در واقع تعریف جرم ارائه شده و مجازات را به حاکمیت‌ها واگذار کرده است (نجفی ابرنآبادی، بی‌تا).

### ح) برخی مصادیق جرایم اقتصادی<sup>۱</sup>

اگر جرایم اقتصادی را رفتار مجرمانه‌ای قلمداد کنیم که موجب اختلال در نظام تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی کشور می‌شود و در قوانین جزایی برای آن مجازات یا اقدام تأمینی<sup>۲</sup> در نظر گرفته شده باشد، برخی مصادیق جرایم اقتصادی به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از:<sup>۳</sup>

۱ . با استفاده از (زمانی، ۱۳۸۸: ۴۴؛ معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۶؛ اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۷۲).  
۲ . اقدامات تأمینی عبارت‌اند از: تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنبه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.  
۳ . گفته می‌شود در حال حاضر حدود دو هزار عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین کیفری وجود دارد که بسیاری از آنها ممکن است از مصادیق جرایم اقتصادی باشند (اعظمی مقدم، ۱۳۹۰: ۷۲).

۱. احتکار
۲. اختلاس
۳. اخذ حق دلالی (درصدانه) در معاملات دولتی
۴. اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی
۵. اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور
۶. اخلال در نظام تولیدی کشور
۷. اخلال در نظام صادراتی کشور
۸. پول شویی
۹. تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و کنترل بر عدم انحراف آنها
۱۰. تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی
۱۱. تحصیل مال از طریق نامشروع
۱۲. تحقق تسهیلات غیرمجاز بانکی
۱۳. تشکیل شرکتهای مضاربه‌ای صوری
۱۴. تشکیل شرکتهای هرمی
۱۵. تصرف غیرقانونی در اموال دولتی
۱۶. تصرف و تصاحب غیرقانونی اراضی ملی و دولتی (زمین خواری)
۱۷. تقلب و تبانی در گشایش اعتبارات ارزی
۱۸. تقلب و تبانی در مزایده و مناقصه
۱۹. جرایم بیمه‌ای
۲۰. جرایم گمرکی
۲۱. جرایم مالیاتی (از جمله فرار مالیاتی و عدم دریافت مالیات و سایر حقوق دولت از مؤدیان مالیاتی)
۲۲. جرایم مربوط به بازار اوراق بهادار (بورس)
۲۳. جرایم مرتبط با خصوصی سازی
۲۴. جعل اسکناس و اوراق بهادار
۲۵. دخالت در معاملات دولتی و مناقصه‌ها و مزایده‌ها
۲۶. دریافت تسهیلات غیرمجاز بانکی



۲۷. رانت‌خواری و بهره‌برداری نامشروع از اطلاعات موجود در سیستم دولتی به نفع شخصی برای فعالیت‌های اقتصادی توسط کارکنان دولت
۲۸. ربا و رباخواری
۲۹. رشا و ارتشا
۳۰. عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی
۳۱. قاچاق کالا و ارز
۳۲. قاچاق میراث فرهنگی و ثروت ملی.

علاوه بر این، عمده‌ترین مواردی که بر اساس پیش‌نویس کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد (پالرمو) در بحث فساد مالی و اداری در سطح بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته عبارت‌اند از:

- اختفای اموال و عواید ناشی از جرم
  - استفاده از اموال و امکانات عمومی به‌ناحق
  - اعمال نفوذ نابجا و سوءاستفاده از وظایف و اختیارات
  - تطهیر عواید ناشی از جرم و ممانعت از اجرای عدالت
  - رشوه‌دهی، اختلاس و دزدی از اموال عمومی
  - وعده اعطای مزیت ناروا به کارگزار عمومی یا از سوی او.
- شایان ذکر است قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تحت تأثیر تحول اشکال جرایم و شیوه‌های ارتکاب آن، با اقتباس از مواد ۱ و ۱۳ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، اصطلاح «جرایم اقتصادی» را بدون تعریف، در ماده ۱۰۹، در کنار جرایم علیه امنیت و جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر به کار برد و ضمن خارج کردن این جرایم از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در بند «ج» ماده ۴۷ و نیز مرور زمان، مصادیق آن را با توسل به نظام احاله در تبصره ماده ۳۶ همین قانون برشمرد و آن را شامل کلاه‌برداری و جرایم سیزده‌گانه احصاشده در تبصره ماده ۳۶ دانست. با توجه به ویژگی‌های جرایم اقتصادی<sup>۱</sup> می‌توان مصادیق مذکور در تبصره ماده ۳۶ را که عمدتاً تخصصی و فنی و پراکنده در قوانین خارج از قانون مجازات اسلامی است، منطبق با آن ویژگی‌ها دانست؛ اما جرم

۱. از جمله فقدان بزه‌دیده حقیقی، ورود ضرر به اموال، منافع، منابعی اسلامی و امنیت عمومی از طریق سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات و رقم سیاه بالا

کلاهبرداری که قانون‌گذار در ماده ۱۰۹ آن را یک جرم اقتصادی دانسته است، با هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها قابل انطباق نیست. در واقع، جرم کلاهبرداری جزء جرایم مالی است که به نقض حقوق مالی اشخاص مربوط می‌شود و با مفاهیم حقوق مدنی، به ویژه حقوق قراردادها، ارتباط تنگاتنگ دارد (ابراهیمی و صادق‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

### ۳. تأثیر فساد و جرم اقتصادی در امنیت ملی

در مباحث گذشته از تعامل متقابل بین اقتصاد و جرم سخن گفته شد و در عرصه تأثیر شرایط اقتصادی بر جرایم، برخی مطالعات انجام‌شده گزارش شدند. در این قسمت، با آوردن «جرم» به صحنه «اقتصاد»، «جرم اقتصادی» و نقش آن در امنیت ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که امنیت عمومی و اجتماعی، یکی از اجزای امنیت ملی به شمار می‌آید، با ملاحظه تأثیر جرم اقتصادی بر امنیت ملی، نقش پلیس نیز در اهتمام و واکنش به جرایم اقتصادی به میان خواهد آمد.

یکی از کارکردهای مهم و اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها، ساماندهی اوضاع اقتصادی جامعه و تنظیم وضعیتی است که عموم مردم بتوانند متناسب با شأن خود و دور از دغدغه‌های ناامیدکننده به انتظارات مد نظر خود دست یابند. مفسد و جرایم اقتصادی از مواردی است که دارای ابعاد و مظاهری در جوامع است که تأثیری مستقیم در ناکارآمد کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد. مباحث اقتصادی به‌رغم ماهیت پولی و مالی آن، در مطالعات سیاسی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته‌اند. بنابراین، تصور جامعه و جهانی امن بدون توجه به کارکردهای اقتصاد و روابط اقتصادی، بیهوده و تحقق‌ناپذیر می‌نماید. این موضوع برخی را بر آن داشته است تا اذعان کنند بعد اقتصادی، مهم‌ترین بعد تهدید امنیت ملی است. یکی از آسیب‌های مهم که امنیت اقتصادی کشورها را تهدید می‌کند، پدیده فساد و جرم اقتصادی است (زمانی، ۱۳۸۸: ۳۳).

#### ۴. نهادسازی برای مبارزه با جرایم اقتصادی: تجربه سایر کشورها در زمینه پلیس اقتصادی<sup>۱</sup>

##### الف) نگرشی کلی به مراکز مبارزه با جرایم اقتصادی در برخی کشورها

مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی، با وجود تشابه در برخی کشورها که از بلوک‌بندی و محوریت برخی کشورهای تعیین‌کننده اصلی ناشی می‌شود، به گونه‌های متفاوت سازماندهی شده است. مراکز و نهادهای اعمال قانون<sup>۲</sup> از پلیس‌های ویژه، محلی یا دولتی گرفته تا مراکزی نظیر دفاتر و ادارات تجسس (آگاهی)<sup>۳</sup> تحت امر غیرپلیس<sup>۴</sup> بنا به مقتضیات هر کشور شکل گرفته‌اند و در طول تاریخ، تحول یافته‌اند. برخی از این مراکز<sup>۵</sup> فعالیت بین‌المللی (فراتر از مرزها) نیز دارند. پلیس اقتصادی، مالی/مالیاتی و گمرکی و همچنین گاردهای مالی در این میان جایگاه خاص خود را دارند. پلیس اقتصادی از جمله در آلمان، اتریش، اسپانیا، انگلستان، ایرلند، پرتغال، دانمارک، فرانسه، فنلاند، لوکزامبورگ، نروژ،<sup>۶</sup> هلند و یونان فعالیت می‌کند. در آلمان، اتریش، انگلستان، ایتالیا، سوئیس، قزاقستان، کلمبیا،<sup>۷</sup> گرجستان و لتونی، پلیس مالی حضور دارد. گارد مالی نیز از جمله در اتریش، ایتالیا،<sup>۸</sup> پرتغال (در گذشته)، رومانی و فرانسه سازماندهی شده است. در آمریکا، پلیس فدرال رزرو و پلیس مبارزه با جعل (پول تقلبی) در وزارت خزانه‌داری خدمت می‌کنند.

جدول ۱ برخی مراکز و نیروهای مسلح مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین مراکز اعمال قانون، در کشورهای مختلف گزارش می‌کند. گزارش تفصیلی سابقه، سیر تحول، تابعیت سازمانی و نوع سازماندهی ملی و داخلی، ظرفیت و امکانات موجود، زمینه‌ها و شرح وظایف اصلی و امثال آنها در کشورهای مذکور نیازمند مجالی دیگر است.

۱. در این قسمت، علاوه بر منابع اینترنتی (سایت‌های پلیس کشورها، دایره‌المعارف‌ها و ...)، از پایان‌نامه شناخت فرایند تطبیقی الزامات رسیدگی به جرایم اقتصادی (زارعی، ۱۳۹۰ و دعاگوین) بیش از منابع دیگر استفاده و سعی شده است ضمن تلخیص، نوعی سازماندهی مجدد مورد توجه قرار گیرد. اگرچه Wikipedia منبع علمی معتبری نیست، با توجه به کم بودن منابع معتبر علمی در این قلمرو، در نگرش گسترده و ردیابی منابع و دستیابی به منابع اصلی در این زمینه مفید بوده و صحت اطلاعات گزارش‌شده آن تا حد امکان واریسی شده است.

۲. Law Enforcement

۳. Bureau of Investigation

۴. برای مثال وزارت اقتصاد و دارایی

۵. نظیر یورپول و اینترپول (Europol and Interpol)

۶. پلیس ملی اقتصادی و کلاه‌برداری

۷. پلیس مالی و گمرکی (در پلیس ملی)

۸. پلیس مالی و گمرکی (به عنوان گروهی نظامی)

**جدول ۱ - مراکز اعمال قانون کشورها با تمرکز بر مراکز مبارزه با فساد و برخی جرایم اقتصادی**

(بر حسب حروف الفبای نام کشور)

ردیف	نام کشور	نام مرکز مجری قانون / مبارزه با فساد و جرم اقتصادی و مالی
۱	آذربایجان	کمیسیون مبارزه با فساد
۲	آرژانتین	دفتر مبارزه با فساد (در سطح فدرال)
۳	آمریکا	بازرس کل خزانه‌داری برای اداره مالیات (در وزارت خزانه‌داری)
		بخش تجسس جرایم وابسته به سرویس درآمد داخلی (در وزارت خزانه‌داری)
		پلیس فدرال رزرو
		پلیس مبارزه با جعل (پول تقلبی) در وزارت خزانه‌داری
۴	اتریش	اداره فدرال جلوگیری و مبارزه با فساد (فدرال)
		گارد مالی (فدرال)
۵	اتیوپی	کمیسیون فدرال اخلاق و ضد فساد
۶	استرالیا	کمیسیون مستقل فراگیر ضد فساد (ویکتوریا)
		کمیسیون مستقل مبارزه با فساد (استرالیای جنوبی)
		کمیسیون مستقل مبارزه با فساد (نیوساوت ولز)
		کمیسیون جرم و فساد (استرالیای غربی - کوئینزلند)
۷	اسلوونی	کمیسیون جلوگیری از فساد
۸	اندونزی	کمیسیون ریشه‌کنی فساد
۹	انگلیس	اداره مبارزه جدی با کلاهبرداری
		دفتر کلی اطلاعات کلاهبرداری
۱۰	اوکراین	دفتر ملی ضد فساد

پلیس مالی و گمرکی (به عنوان گروهی نظامی)	ایتالیا	۱۱
دفتر داریایی‌های مجرمانه	ایرلند	۱۲
اداره رصد ضد فساد و سوءاستفاده اقتصادی	بروندی	۱۳
کمیسیون ضد فساد	بنگلادش	۱۴
کمیسیون ضد فساد	بوتان	۱۵
گروه کار تجسس	پاپوآ گینه نو	۱۶
دفتر پاسخ‌گویی ملی	پاکستان	۱۷
اداره غذا و دارو و جرم اقتصادی	پرتغال	۱۸
دفتر جلوگیری و مبارزه با فساد	تانزانیا	۱۹
آژانس ضد جرایم بزرگ سازمان‌یافته و فساد	جامائیکا	۲۰
کمیسیون مبارزه با فساد (ماکائو)	چین	۲۱
اداره مبارزه با فساد و فعالیت‌های مجرمانه سطح بالا	روسیه	۲۲
آژانس ضد فساد	رومانی	۲۳
نگار مالی		
کمیسیون ضد فساد	زیمبابوه	۲۴
کمیسیون تجسس رشوه یا فساد	سری لانکا	۲۵
دفتر تجسس ارتشا	سنگاپور	۲۶
دفتر ملی جرایم اقتصادی	سوئد	۲۷
کمیسیون ضد فساد	سیرالئون	۲۸
آژانس ضد فساد	صربستان	۲۹
مرکز ضد فساد	عراق	۳۰
کمیسیون ملی ضد فساد	عربستان سعودی	۳۱

اداره ملی رصد ضد فساد	کامرون	۳۲
کمیسیون ضد فساد و حقوق مدنی	کره جنوبی	۳۳
کمیسیون مستقل مبارزه با فساد		
پلیس مالی و گمرکی (در پلیس ملی)	کلمبیا	۳۴
کمیسیون اخلاق و ضد فساد	کنیا	۳۵
دفتر پیشگیری و مبارزه با فساد	لتونی	۳۶
دفتر مرکزی ضد فساد	لهستان	۳۷
کمیسیون ضد فساد	لیبریا	۳۸
دفتر مستقل ضد فساد	ماداگاسکار	۳۹
آژانس ملی مبارزه با مواد مخدر	مالزی	۴۰
کمیسیون ضد فساد		
کمیسیون مبارزه با فساد	موریس	۴۱
کمیسیون ضد فساد	میانمار	۴۲
کمیسیون ضد فساد	نامیبیا	۴۳
پلیس ملی اقتصادی و کلاهبرداری	نروژ	۴۴
کمیسیون اقتصادی و جرایم مالی	نیجریه	۴۵
کمیسیون مستقل مبارزه با ارتشا		
اداره مبارزه جدی با کلاهبرداری	نیوزیلند	۴۶
اداره اطلاعات و تجسس مالی / اقتصادی	هلند	۴۷
کمیسیون مرکزی پایش	هند	۴۸
نیروی مرکزی امنیت صنعتی		
کمیسیون مستقل مبارزه با فساد	هنگ کنگ	۴۹
کمیته راهبری مرکزی ضد فساد	ویتنام	۵۰

ب) گستره موضوعی، شرح کلی وظایف و مرحله‌بندی فعالیت پلیس اقتصادی  
مروری بر وظایف مصرح و گزارش شده پلیس اقتصادی - مالی - گمرکی کشورهای بررسی شده  
نشان می‌دهد که فعالیت‌های بسیار متنوعی در حوزه مسئولیت این نیروی تجهیز شده برای  
رویارویی با جرایم اقتصادی تعریف شده است. این فعالیت‌ها از فعالیت‌های سلبی مبارزه با  
سرقت تا فعالیت در اقتصاد پنهان و امثال آنها تا فعالیت‌های ایجابی مراقبت در جهت اجرای  
همگانی قوانین و مقررات اقتصادی و پولی و مالی و اعتباری، با ملاحظه ارتباط با سلامت، نظم  
و امنیت (آرامش و آسایش) عمومی و اجتماعی و اولویت مبارزه با فساد و جرایم سازمان‌یافته  
بزرگ اقتصادی و مالی را پوشش می‌دهند که البته نیازمند تخصص ویژه است.

علاوه بر آنچه گفته شد، در یک جمع‌بندی کلی و بر اساس مطالب گذشته و تجربه  
کشورها، خلاصه مهم‌ترین وظایف پلیس اقتصادی در زیر آورده شده است:

الف) تأمین و اقدام در جهت:

۱. تحکیم امنیت و منافع اقتصاد ملی
  ۲. اجرای قوانین و مقررات اقتصادی و مالی لازم‌الاجرا
- ب) مبارزه با:
۱. ناامنی (عینی واقعی و ذهنی) و بحران نظم و امنیت اقتصاد عمومی
  ۲. فساد و جرم اقتصادی - مالی به ویژه جرایم سازمان‌یافته
  ۳. معاملات غیرقانونی بانکی، مالی و اعتباری
  ۴. فعالیت در اقتصاد پنهان و غیرقانونی (پول شویی، قاچاق انسان، مواد مخدر، کالا و آثار باستانی و فرهنگی، ذخیره‌سازی محصولات غیرقانونی و ...)
  ۵. کسب و افزایش ثروت و دارایی‌های غیرمجاز
  ۶. کسب غیرقانونی سود و منافع (رباخواری، قمار و ...)
  ۷. نقض حقوق مالکیت (مالکیت معنوی و ...)
  ۸. رانت و سوءاستفاده از مناصب عمومی (حاکمیتی) (رشوه و ...)
  ۹. تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی و تروریسم (شرارت و ...)
  ۱۰. امور غیرمجاز بودجه‌ای عمومی و منطقه‌ای
  ۱۱. تقلب، جعل و کلاهبرداری اقتصادی و مالی
  ۱۲. تخلفات مالیاتی

۱۳. تخلفات مجازی و رایانه‌ای
  ۱۴. تخلفات بیمه‌ای
  ۱۵. تخلفات بورسی
  ۱۶. سرقت آثار و میراث فرهنگی
  ۱۷. معاملات ارزی خطرآفرین و خلاف مقررات و قاچاق ارز
  ۱۸. تخلفات گمرکی و مرزی (تردها و مهاجرت غیرقانونی و ...)
  ۱۹. تخلفات فرامرزی اقتصادی و مالی.
- فعالیت‌های بسیار متنوع یادشده به صورت زیر نیز قابل مرحله‌بندی هستند:

الف) زمینه‌سازی

۱. ارتقای حقوق اقتصادی (حقوق جرم اقتصادی و ...)
  ۲. فرهنگ و گفتمان‌سازی
  ۳. آموزش و تربیت نیروی انسانی
  ۴. ارتقای امکانات انتظامی
- ب) پیش‌بینی و اطلاع‌رسانی (گزارش)
۱. آینده‌پژوهی، پیش‌بینی و ارزیابی تهدیدها و جرایم اقتصادی، شناسایی خطرهای اصلی و نشان دادن مسیرهای فعالیت در این خصوص
  ۲. تحقیق و تجسس (تجزیه و تحلیل و ...)
  ۳. ردگیری (مراقبت، نظارت، رصد، پایش و شناسایی) فعالیت‌ها، جریان‌ها، شبکه‌ها و دارایی‌ها و درآمدهای غیرمجاز
  ۴. حفاظت، پیشگیری و جلوگیری
  ۵. گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی.

ج) اعمال قانون

۱. ضربت و مختل کردن شبکه‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته مجرمانه
۲. پیگرد و اعمال قانون
۳. ضبط، توقیف و بازبایی دارایی‌های به‌دست‌آمده از طریق فعالیت‌های مجرمانه.



## جمع‌بندی

نیرویی که اهداف و وظایف خود را دنبال می‌کند، به فضا و شرایط تأثیرگذار اصلی، مستقیم و فوری حوزه فعالیت خود توجهی خاص دارد. پلیس نیز برای تحقق اهداف و انجام وظایف خود باید به عوامل دخیل اهتمام ورزد. با توجه به نقش شرایط اقتصادی در وقوع یا بازدارندگی از جرم، پلیس نمی‌تواند نسبت به این شرایط بی‌اعتنا باشد؛ به ویژه آنکه برخی از عناصر اقتصادی، خود در حوزه اصلی فعالیت پلیس قرار می‌گیرند.

اگر جرم را یک اقدام عقلایی مبتنی بر فرصت و مخاطره مجرم در نظر بگیریم، بنا بر انتظار و آن‌گونه که برخی مطالعات تجربی نشان می‌دهند، جرایم - به ویژه جرایم غیرخسونت‌بار - به شرایط اقتصادی وابسته هستند.

در کنار آنچه گفته شد، با معرفی جرایم اقتصادی، وظیفه پلیس در قلمرو اقتصاد، تبلور قانونی خاصی می‌یابد؛ زیرا در نقش این جرایم در امنیت عمومی و اجتماعی تردیدی وجود ندارد؛ اگرچه در شدت و جهت و چگونگی آن می‌توان تفصیل قائل شد. البته ورود به قلمرو اقتصاد، تخصصی لازم دارد که پلیس اقتصادی باید مجهز به آن باشد.

با توجه به پیشینه تاریخی، مبانی منطقی و نظری، تنوع اهداف و وظایف قانونی و مطالعات تجربی، کشورهای مختلف درصدد تشکیل نیرو و سازمانی برآمده‌اند که به عنوان پلیس، گارد و امثال آن، به صورت مسلح یا شبه‌نظامی و به صورت مستقل یا تحت تابعیت مقام رسمی خاص، در قلمرو اقتصاد و امور مالی و گمرکی به گونه‌ای تخصصی ورود کرده است. پلیس اقتصادی از جمله در آلمان، اتریش، اسپانیا، انگلستان، ایرلند، پرتغال، دانمارک، فرانسه، فنلاند، لوکزامبورگ، نروژ،<sup>۱</sup> هلند و یونان فعالیت می‌کند. در آلمان، اتریش، انگلستان، ایتالیا، سوئیس، قزاقستان، کلمبیا،<sup>۲</sup> گرجستان و لتونی پلیس مالی حضور دارد. گارد مالی نیز از جمله در اتریش، ایتالیا،<sup>۳</sup> پرتغال (در گذشته)، رومانی و فرانسه سازماندهی شده است. در آمریکا، پلیس فدرال رزرو و پلیس مبارزه با جعل (پول تقلبی) در وزارت خزانه‌داری خدمت می‌کنند. مروری بر وظایف مصرح و گزارش‌شده پلیس اقتصادی - مالی - گمرکی کشورهای بررسی‌شده نشان می‌دهد که فعالیت‌های بسیار متنوعی در حوزه مسئولیت این نیروی تجهیز شده برای رویارویی با جرایم اقتصادی قرار گرفته است. این فعالیت‌ها از فعالیت‌های

۱. پلیس ملی اقتصادی و کلاهبرداری

۲. پلیس مالی و گمرکی (در پلیس ملی)

۳. پلیس مالی و گمرکی (به عنوان گروهی نظامی)

سلبی مبارزه با سرقت تا فعالیت مقابله‌جویانه با اقتصاد پنهان و امثال آنها تا فعالیت‌های ایجابی مراقبت در اجرای همگانی قوانین و مقررات اقتصادی و پولی و مالی و اعتباری، با ملاحظه ارتباط با سلامت، نظم و امنیت (آرامش و آسایش) عمومی و اجتماعی و اولویت مبارزه با فساد و جرایم سازمان‌یافته بزرگ اقتصادی و مالی را پوشش می‌دهند.

### منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام و مجید صادق‌نژاد نائینی (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، در پژوهش حقوق کیفری، س ۲، ش ۵، زمستان.
- اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی الزامات رسیدگی به جرایم اقتصادی و ارایه راهکار مناسب برای پلیس ایران».
- اعظمی مقدم، مجید (۱۳۹۰)، «مفهوم‌شناسی جرم اقتصادی یا فساد اقتصادی»، در کارآگاه، دوره دوم، س ۴، ش ۱۶، پاییز.
- بای، حسینعلی (۱۳۸۵)، «افساد فی الارض چیست، مفسد فی الارض کیست؟»، در فقه و حقوق، ش ۹.
- حسینی، سید حسین (۱۳۸۹)، «گونه‌شناسی ابعاد جرایم اقتصادی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، در مطالعات بین‌المللی پلیس، ش ۴، زمستان.
- دادخدایی، لیلیا (۱۳۸۹)، «مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن»، در تعالی حقوق، س ۲، ش ۶، مرداد و شهریور.
- دری نوگورانی، حسین (۱۳۹۶)، «واکاوی انتظام اقتصادی در پیشینه تاریخی و تحلیل کارکردی پلیس: مبنایابی پلیس اقتصادی».
- دعاگویان، داود (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی پلیس اقتصادی کشورهای مدل؛ تدوین الگویی برای پلیس اقتصادی ایران»، در فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، س ۸، ش ۴ (پیاپی ۳۲)، زمستان.
- زارعی، علی (۱۳۹۰)، تأثیر تشکیل پلیس تخصصی بر فرآیند مبارزه با جرایم اقتصادی، پایان‌نامه دانشگاه علوم انتظامی.
- زمانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸)، «درآمدی بر ابعاد مفساد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی»، در کارآگاه، س ۲، ش ۷، تابستان.
- سیاه‌بیدی کرمانشاهی، سعید و امیررضا دهقان (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی عنصر مادی جرم

- پول‌شویی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، در کارآگاه، س. ۹، ش ۳۶، پاییز.
- صفریور، فتاح (۱۳۹۱)، تحلیل فقهی- حقوقی افساد فی‌الارض در جرایم اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- صمدی، علیحسین و جواد آماره (۱۳۸۹)، «جرایم اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد و توسعه اقتصادی ۱۳۶۴-۱۳۸۵»، در جستارهای اقتصادی، ش ۱۴، پاییز و زمستان.
- طالبیان، حسین (۱۳۹۲)، «بررسی اقسام سازمان‌یافتگی جرم اقتصادی»، در فصلنامه علمی ترویجی کارآگاه، ش ۲۲، دوره دوم؛ بهار.
- گرشاسی فخر، سعید (۱۳۹۰)، «ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران»، در رفاه اجتماعی، ش ۴۰، بهار.
- معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷)، سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، انتشارات جاودانه.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (بی‌تا)، «جرم‌شناسی جرایم اقتصادی (تقریرات درسی)»، در <http://www.masoudshamsnejad.ir>:
- نرم‌افزار لوح حق (مجموعه قوانین و مقررات کشور).

### منابع لاتین

- Loftin, Colin and David McDowall (Jun., 1982), "The Police, Crime, and Economic Theory: An Assessment", in *American Sociological Review*, Vol. 47, No. 3.
- Matthew, C., Deborah L. Spence and Jessica Mansourian Scheider (2012), *The Relationship Between Economic Conditions, Policing, and Crime Trends*, Office of Community Oriented Policing Services (COPS Office).
- Stolzenberg, Lisa and David Eitle and Stewart J. D'Alessio (2006), "Race, Economic Inequality, and Violent Crime", in *Journal of Criminal Justice*.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی